

اهل میمنت و مبارکی چه کسانی هستند؟

احمدعلتایان(در ادامه مرور سوره های قرآن کریم به سوره مبارک بلد(شهر) رسیدیم و آیات یک تا ۱۶ آن را باهم تلاوت کردیم. خداوند متعال در آیات پایانی (۱۷ تا ۲۰) این سوره می فرماید: «ثُمَّ كَانْ مِنَ الَّذِينَ أَنْتَوُا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَتَوَاضَعُوا بِالْمَقْصَدِ، وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ الْيَقِينَةِ، وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الشَّمْسِ أَفَعَالِهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ، [آن انسان] سپس از کسانی باشد که ایمان آورده اند و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی، سفارش کرده اند، آن ها اصحاب یمین هستند. کسانی[هم] که به آیات ماکفر ورزیدند. اصحاب شومی و شقاوت هستند. بر آن ها، آتشی سربوشیده و فراگیر احاطه دارد.»

این آیات در ادامه آیات قبل، کارهای خیر مثل آزاد کردن برده و سیر کردن گرسنه را بستری برای گرایش به ایمان و سفارش دیگران به کارهای نیک، می دانند و مانند بسیاری از آیات قرآن کریم، به معرفی دو دسته

پیروان خیر و شر می پردازند. اصحاب میمنت و مبارکی و کسانی که برکت دائمی، ملازم و همراه آن ها است، دسته ای از مؤمنان هستند که علاوه بر گره گشایی از کار فقیران و بردگان، دیگران را هم به رحم کردن و صبور بودن توصیه می کنند. گویی تشکر از نعمت چشم، دیدن آیات الهی و تشکر از نعمت زبان، سفارش به دیگران است، بنابراین ایمان و صبر و محبت، مایه برکت، هم برای جامعه و هم برای آخرت خود فرد است. اصحاب شومی و نامبارکی و کسانی که درهای آتش بر روی آن ها بسته و محکم شده است، نیز همان ها هستند که نشانه های خداوند را نادیده می گیرند و ایمان نمی آورند، کسی که با کفر و بخل، روی حق و رحمت را ببوشاند، در قیامت در آتشی سربوشیده جای خواهد گرفت.

حکمت

مسئولیت پذیری در آیین صحیفه سجاده

وکیلای دعا در مکتب اهل بیت^(ع) صرفا نجوا یا خدا نیست، بلکه نقشه راه سبک زندگی و سلوک داری واجتماعی است. امام سجاد^(ع) در عای ششم صحیفه سجاده یه (دعای بامداد و شامگاه) در فراری ماندگار می فرمایند: «اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مَخْجُوهُ آلِهِ، وَوَقِّفْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَثَلِّثْنَا هَذِهِ وَ جِیْ فِیْ عَمَلِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ وَ هِجْرَانِ الشَّرِّ وَ شُكْرِ النِّعَمِ، وَ اتِّبَاعِ السُّنَنِ، وَ مُجَابَبَةِ الْبَدْعِ، وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ اتِّفَاقِ الْبَاطِلِ وَ إِذْثَلِیهِ، وَ نَهْزِهِ الْعَقْبِ وَ إِعْزَازِهِ، وَ إِشْادَةِ الشَّالِّ، وَ مُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ، وَ إِدْرَاكِ الْهَلِيفِ.» در این فراز، «استعمال الخیر» یعنی پیش قدمی مشتاقانه در کار نیک، «شکر نعم» به معنای پاسداشت فرصت خدمت و «اتباع سنن» بیانگر التزام به ضوابط و پرهیز از رفتارهای سلیقه ای است، مبانی درخشانی که بالاترین منشور اخلاقی حرفه ای به شمار می روند.

سنگین ترین آزمون اخلاق حرفه ای

پایان بخش کلام امام سجاد^(ع) در همان دعا، بر گره گشایی مستقیم از خلق تکیه دارد؛ «ارشاد گمراهان»، «معاونت ضعیفان» و «دستگیری از ستم دیدگان و بی پناهان (ادراک الالهیف)». انسان هایی که به ادارات، سازمان ها یا مراکز خدماتی رجوع می کنند، غالبا خود با بار سنگینی از فشارهای اقتصادی و خانوادگی دست به گریبان اند.

هنر انسان باایمان این است که با سعه صدر و بر خورد مهربانر، بار جدیدی بر دوش مراجعه کننده نگذارد و گرفتاری را در تخفیف دهد، همان گونه که در «رساله الحقوق» امام سجاد^(ع) حتی در برابر اعضای بدن خویش پاسخ گو هستیم، پاسخ گویی به اعتماد جامعه نیز و لاترین نشانه کمال اخلاقی و معنوی است.

آداب زیارت

زیارت؛ فراتر از یک سفر

حسین ابراهیمی! برای اینکه بتوانیم یک زیارت خوب انجام دهیم، باید با اهداف آن بیشتر آشنا بشویم. زیارت یک عمل دارای ابعاد است که نه تنها بر فرد بلکه بر جامعه نیز اثر می گذارد. برخی از این ابعاد عبارت هستند از:

راهی برای نزدیکی به خدا

یکی از مهم ترین لایه ل انجام زیارت، تقرب به خداوند است. در طول تاریخ اسلامی، زیارت مکان های مقدس مانند مکه، مدینه، کربلا و مشهد، یکی از راه های دستیابی به فیوض الهی و تقویت ارتباط با خداوند، شناخته شده است. زیارت نه تنها یک عمل فردی بلکه یکی از شیوه های بالایش روح است. براساس روایات، امام صادق^(ع) فرموده اند: «زیارت ما باعث جلب رضای خداوند و بخشش گناهان می شود.» این حدیث، نشان دهنده اثرات معنوی عمیق زیارت و نقشی است که این عمل در تقویت ایمان فردی ایفا می کند.

فرصتی برای بازنگری درونی

زیارت فرصتی است برای تأمل و بازنگری در زندگی شخصی. در این سفر معنوی، فرد از زندگی روزمره و دغدغه های مادی فاصله می گیرد و در حالتی از تفکر و مراقبه، به مرور اعمال و افکار خود می پردازد. این تأملات، منجر به تقویت ایمان، اصلاح رفتارهای فردی و ایجاد تغییرات مثبت در زندگی می شود. زائران غالبا با نگاهی تازه به جهان و مسئولیت های خود بازمی گردند.

سبب وحدت و هم بستگی جامعه اسلامی

زیارت به عنوان یک عمل مذهبی، به ویژه در حج و زیارت کربلا، نقش مهمی در تقویت وحدت مسلمانان دارد. اجتماع مسلمانان از سراسر جهان در این مکان های مقدس، نمادی از هم بستگی و برادری در اسلام است. این تعاملات میان مسلمانان، موجب تقویت پیوندهای اجتماعی، تبادل تجربیات و آشنایی با فرهنگ های مختلف می شود. علاوه بر این، زیارت به افزایش همدلی و هم بستگی میان اقشار مختلف جامعه کمک می کند. افرادی که از سفر زیارتی بازمی گردند، معمولا احساس نزدیکی بیشتری با دیگران دارند و آماده ترند تا در جامعه، نقشی فعال تر ایفا کنند.

تقویت ارزش های دینی

یکی دیگر از دلایل مهم زیارت، احیای ارزش های دینی و مذهبی است. حضور در مکان های مقدس و زیارت امامان معصوم و پیامبران، یادآور تعالیم اخلاقی و دینی است که در زندگی روزمره، ممکن است فراموش شوند. زیارت به زائران یادآوری می کند که چگونه باید زندگی کنند و چه ارزش های را دنبال کنند. زیارت انتمه معصوم^(ع)، همچون امام حسین^(ع) در کربلا، فرصتی است برای بازنگری در مفهوم عدالت، فداکاری و پایداری در راه حق که از اصول اساسی اسلام به شمار می روند.

بالایش دهنده روح و روان

زیارت به عنوان یک سفر روحانی، فرصتی برای بالایش روان و تجدید قوای معنوی است. افرادی که در این سفرهای مقدس شرکت می کنند، اغلب تجربه ای از آرامش درونی و رهایی از اضطراب ها و نگرانی های دنیوی دارند. این حالت های معنوی پس از زیارت به فرد کمک می کند با انگیزه و روحیه ای تازه به زندگی بازگردد و بهتر با چالش های زندگی، مقابله کند.

شکر

شهریارNEWS.IR

شنبه ۱۴ مهرماه ۱۳۹۸
روز پنجشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۸

۱۴



مهر

نور

در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین رجبی، جایگاه تربیتی مدرسه و نقش والدین و معلمان را بررسی کرده ایم

نمره بیست کافی نیست!

با شروع مهر، دوباره بوی مدرسه و شور و حال دانش آموزان در خیابان های شهر می پیچد و جنب و جوشی فراگیر جامعه را دربر می گیرد. اما پشت این هیاهوی پرهیجان، رقابت نفس گیر «بیست گرایی» و اضطراب آزمون و رتبه نیز برای بچه ها و والدین آغاز می شود. بیابید صادق باشیم؛ ما والدین گاهی یادمان می رود که درس و نمره وسیله اند نه هدف نهایی. فکر می کنیم اگر فرزندانمان، کارنامه ای پر از نمرات عالی داشته باشد، آینده اش بیمه است. غافل از آنکه مدرسه باید جایی برای یادگیری صبوری، رفاقت، انصاف و آرامش باشد؛ جایی برای تمرین زندگی، وقتی ارزش فرزند را فقط با معدل می سنجیم، دانشی به او می دهیم که معلوم نیست در بزنگاه های واقعی زندگی و بحران های روحی، چقدر به حالش مفید باشد. این دغدغه، بهانه گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا رجبی، دبیر دبیرخانه راهبری کشوری رشته علوم و معارف اسلامی وزارت آموزش و پرورش، شد تا جایگاه تربیتی مدرسه را از دریچه معارف دینی بازکاوی کنیم.

سید حمیدرضا حسینی دانشور

مدرس حوزه، پژوهشگر علوم رفتاری



گفت وگو



تربیت در آینه رفتار، نه موعظه

فراموش نکنیم که نوجوان امروز بیش از آنکه به «شنیدن نصایح» و «آموزش های دینی» نیاز داشته باشد، تشنه «دیدن الگوهای زنده» و تجربه های زیسته معنوی است. اگر در خانه مدام از اخلاق گفته شود اما ترازوی ارزش گذاری فقط معدل باشد، در مدرسه درس دینی داده شود اما در رفتار معلم، نشانه ای از سعه صدر، تواضع و انصاف دیده نشود، کلام نه تنها بی اثر خواهد ماند، بلکه اثر معکوس خواهد داشت. اگر صرفا آموزش ببیند و معارف را در ذهنش جمع کند، اما به کار نیندد و تجربه نکند، علاقه او به معارف دینی، به تنفر تبدیل می شود. کلید حل این مشکل، پیوند تربیتی خانه و مدرسه است که در این بیان نورانی امام صادق^(ع) نهفته است: «کُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اِلِسْتِغْنَاءٍ لِنَفْسِكُمْ لِيُزَوِّجَ بَيْنَكُمْ الْيُوزُوعَ وَالْاِحْتِجَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ، بِغَيْرِ زَبَانٍ خُود، مَرْدَمِ رَا بَه سَوَى خُوبِی دُعُوتِ کُنید تا پارسیابی و سخت کوشی و نماز و خوبی را از شما ببینند، زیرا این ها خود دعوت کننده است.» وقتی معلم و والدین، خودشان همانی باشند که می خواهند شاگرد و فرزندشان یاد بگیرد و در عمل، تجربه های معنوی ناشی از ایمان، صبوری و احترام را به نمایش بگذارند، دانش آموز درس و زندگی و بندگی^(ع) را پیش از آنکه در کتاب بخواند، در چشم ها و رفتارهای مربیانش زندگی خواهد کرد.

امانت های خدا

مهرماه به ما یادآوری می کند که بچه های ما «امانت خدا» هستند؛ اگر تمام فرمول های دنیا را در ذهن فرزند خود بریزیم اما به او یاد ندهیم که چگونه در سختی ها به خدا توکل کند، چطور عدل و انصاف داشته باشد و چگونه با مهربانی زندگی کند، تربیت را باخته ایم. بیابید اسال بیش از آنکه نگران نمره باشیم، نگران «آرامش و ایمان» فرزندانمان باشیم؛ تکیه گاهی که در تمام تندباد های فردا، دستشان را خواهد گرفت.



نقش معلم در «انسان سازی»

بیابید یک سوزن هم به خود مان (معلم ها) بزنیم. در فضایی که اگر نوجوانی در یک امتحان نمره نگیرد، تمام «من» خودش را شکست خورده می بیند، چگونه می شود از «معنویت»، «عدالت جویی» و حتی «بندگی» حرف زد؟ اهل بیت^(ع) به ما آموخته اند که تربیت یعنی «احیا»؛ یعنی زنده کردن ظرفیت های پنهان آدم ها، و عملی که با این نگاه وارد کلاس می شود، ناتوانی یک دانش آموز در یک مسئله ریاضی را نه یک فاجعه، بلکه فرصتی برای تقویت اعتماد به نفس او می بیند. با همین نگاه کریمانه است که شاگرد یاد می گیرد در حیاط مدرسه، به جای آنکه هم کلاسی اش را یک رقیب برای نمره^{۲۰} گرفتن ببیند، او را رفیقی بداند که باید دستش را گرفت. «معلم آگاه و دغدغه مند»، با در دست گرفتن همین لحظه های غیررسمی، یعنی خنده ها، شکست ها و معاشرت های روزمره، در کنار درس های رسمی، مدرسه را از یک «آموزشگاه» به «مکان تربیت» تبدیل می کند؛ خانه ای که در آن «انسان» ساخته می شود، نه فقط حافظه اش.

تربیت برای «میدان عمل»

با این توضیحات واضح است که در نظام تربیتی اصل، مدرسه نیز نباید صرفا یک «آموزشگاه تست و نمره» باشد، بلکه باید بستری برای تمرین زندگی، مسئولیت پذیری و اخلاق مداری تعریف شود. «تربیت برای زندگی» چیزی فراتر از صرف سل های کتاب های درسی یا بخشنامه های وزارتی است؛ همان جاکه دانش آموز یاد می گیرد وقتی نمره امتحانش کم شد، دنیا به آخر نرسیده و هنوز هم پیش خدا و معلم و والدینش، مثل قبل، عزیز است؛ همان جا که می آموزد، «چگونه در برابر شکست ها تاب بیارود»، «چطور با هم کلاسی خود نه به چشم رقیب، که به چشم یک برادر و همراه نگاه کند»، «در بزنگاه های فردی و اجتماعی، چگونه بر مبنای ارزش های الهی و انسانی تصمیم بگیرد»، «به جای خود محوری، در فکر ساختن تمدن نوین اسلامی باشد» و... مدرسه، زمانی «محیط تربیت» است که به فضایی برای هویت بخشی، شنیدن صدای نوجوان و میدان دادن به مسئولیت پذیری او تبدیل شود. آن هم نه در قالب دستورالعمل های خشک، بلکه در متن رفتار معلم و مربی و این، درسی است که ماندگارتر از هر فرمول ریاضی یا نکته کنکوری است.

حجت الاسلام والمسلمین رجبی:

اهل بیت^(ع) به ما آموخته اند که تربیت یعنی «احیا»؛ یعنی زنده کردن ظرفیت های پنهان آدم ها، و معلمی که با این نگاه وارد کلاس می شود، ناتوانی یک دانش آموز در یک مسئله ریاضی را نه یک فاجعه، بلکه فرصتی برای تقویت اعتماد به نفس او می بیند

در سال های اخیر، رقابت های جدی علمی، آزمون های بی دربی با عناوین مختلف و تب و رود به مدارس خاص، آرام آرام جای «هدف» و «وسيله» را عوض کرد و آموزش را که مقدمه ای برای تربیت و ابزاری برای کشف حقیقت، پرورش اندیشه و مهارت زیستن بود، به «حفظ بخش هایی از کتاب» و «یادگیری تکنیک های قبولی در امتحانات» فروکاست. در واقعیت امروز بیشتر مدارس، درگیری اصلی دانش آموزان نه با مفاهیم علمی، بلکه با «نمره» است. طبیعی است که وقتی «دغدغه دانایی» به نمره تنزل پیدا کند، محصول آن نسلی خواهد بود که شاید رتبه های درخشان داشته باشد، اما در مواجهه با نخستین بحران سیاسی، عاطفی، اخلاقی یا هویتی زندگی، شکننده و بی پناه است؛ آفت مهلکی که حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در حکمت ۱۰۷ نهج البلاغه، درباره آن هشدار داده و فرموده اند: «رُبَّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَعِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ، چه بسیار دانشمندانی که نادانی درونی شان آن ها را تباه کرد، در حالی که دانش ذهنی با آن ها بود اما سودی به حالشان نداشت.» از نگاه امام علی^(ع)، علمی که راه زیستن را روشن نکند و مانع ضعف عقل و جهل رفتاری و اخلاقی انسان نشود، به جای آنکه بال پرواز باشد، باری سنگین بر دوش انسان است.

نقش و «تکلیف» واقعی والدین

قرآن کریم وقتی رسالت سرپرستی خانواده را گوشزد می کند، افق نگاه را از تفاخرهای زودگذر، دنیوی فراتر می برد و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...» (تحریم، آیه ۶) و این یعنی وظیفه واقعی ما به عنوان والدین، تربیت صحیح دینی و تلاش برای نجات فرزندان از آتش سهمگین جهنم است. والدین باید باور کنند که تلاش برای تربیت «فرزند صالح»، ضامن حقیقی عاقبت به خیری و حتی برکت مادی او در زندگی خواهد بود. در مقابل، این پرسش مطرح است که اگر کارنامه فرزند، پر از نمره^{۲۰} باشد، اما دل از آرامش ایمان، حق جویی، عدالت خواهی و حیا خالی بماند، آیا خانواده به رسالت حقیقی خود عمل کرده است؟ متأسفانه بخش زیادی از اضطراب طاقت فرسایی که امروز بر فضای خانواده ها سایه انداخته است، ریشه در همین تصور نادرست و البته ناخودآگاه دارد که «سعادت و عزت و رزق فردی از فرزند من، صرفا در معدل بالا و رشته های برتر و دانش نامه های مشهور، خلاصه شده است.» نگرانی ای که تمام هم و غم ما شده است و خواسته یا ناخواسته، آن را به فرزندانمان هم منتقل می کنیم. در واقع، وقتی نخستین سؤال ما از فرزندان بعد از مدرسه این است که «نمره امتحانات را چند شدی؟» به جای آنکه بپرسیم «چه یاد گرفتی؟»، ناخودآگاه داریم لذت کشف، نشاط و پویایی علمی و سلامت روانش را از او می گیریم.

همه آن هایی که دل در گرو عشق و محبت امام رضا^(ع) دارند و دل داده حضور در آستان قدسی ایشان هستند، هر بار که به حرم مطهر حضرتش مشرف می شوند و در کنار آن همه جلال و شکوه با آگاه ملکوتی امام رشوف^(ع)، خادمان رضوی را با آن ابهت در لباس های متحدالشکل می بینند، در دل غلبه می خورند و آرزو می کنند کاش می شد فقط یک بار چنین فرصتی به آن ها هم دست می داد و می توانستند خادم زائران حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) شوند. اگرچه تا اسم خادمی برای حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) به میان می آید، در ذهن ما غبار رویی و جارو کشیدن حرم، در دست گرفتن چوب های سبز رنگ و ایستادن در ورودی ها، صحن ها و رواق ها و راهنمایی و کمک به زائران حضرت ثامن الحجج^(ع) نقش می بندد، اما باید بدانیم که خادمی امام رضا^(ع) مفهومی فراتر از این هاست، خادمی یعنی در مسیر حضرت حرکت کردن و دغدغه های امام^(ع) را پاسخ دادن، خادمی امام رضا^(ع) یعنی چشم و گوشمان به آنچه حضرت توصیه می کنند

و از ما انتظار اجابتش را دارند، باشد.

مگر نه آن است که ما امام رضا^(ع) را به اوصافی همچون کرامت، رافت، غریب نوازی و گره گشایی می شناسیم و از دور و نزدیک برای قرار گرفتن در سایه گسترده این اوصاف، دل را روانه مشهد الرضا^(ع) می کنیم، پس چرا ما هم در این ویژگی ها، شبیه و خادم حضرت ثامن الحجج^(ع) نشویم؟ حضرت علی بن موسی الرضا^(ع)

فصل فرهنگی و ورزشی از کتاب «آینه مسئولیت»



خادمی امام رضا^(ع) را به حرم محدود نکنیم

با فقر و ضعفای جامعه و کاهش آلام آن ها، خادم الرضا^(ع) شد. پزشکی که به نیت حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) بیماران محروم و کم برخوردار را درمان می کند، دانشجو و طلبه ای که با نگاه به رافت بی مثال رضوی، از وقت و تفریح و شهر و خانواده عبور می کند و راهی اردوهای جهادی و پاک کردن غبار محرومیت از چهره مناطق درافتاده می شود، کارمندی که با خود عهد کرده است به عشق امام رضا^(ع) با ریا پر رجوعان مهربان باشد و کارشان را راه بیندازد، معلمی که دانش آموزان را با امام رشوف^(ع) مأنوس کرده و راه و رسم امام و زندگی رضوی را یاد آن ها می دهد و مادری که به عشق حضرت، غذا می پزد و محیط خانه را برای همسر و فرزندان، لبیز از عشق و آرامش می کند، همه و همه در دایره خادمی حضرت ثامن الحجج^(ع) جای می گیرد. امام رضا^(ع) به ما آموخته اند که انسانیت به

کرامت، رافت و همدلی گره خورده است و هیچ چیز نباید باعث خروج انسان از این ریل شود. اگر می خواهیم خادم الرضا^(ع) باشیم، سعی کنیم آئینه این اوصاف رضوی در زندگی فردی و اجتماعی خود باشیم و همان رفتاری را که خادمان آستان قدس رضوی به وقت زیارت با ما دارند، ما هم در برخوردهای روزانه با دیگران داشته باشیم؛ همان طور که وقتی از خادمان حرم سؤالی می پرسیم، با لبخند و گرمی و دقت پاسخمان را می دهند یا وقتی خسته و دل شکسته وارد حرم می شویم، با نگاه پرمهر و محبتشان پذیرای ما می شوند، ما هم باید و مادر، خواهر و برادر و همسر و فرزند، همکاران و همسایگان و همشهری ها با اخلاق و مهربانی مواجه شویم و بدون منت و چشمداشت، دوستان بدریم و به آن ها محبت کنیم. خادمی امام رضا^(ع) به هم مسیر شدن با خواست حضرت است نه پوشیدن یک لباس؛ باید سعی کنیم این علقه و علاقه به خادم الرضا^(ع) شدن، به حریم حرم محدود نشود، بلکه هر آن و لحظه در زندگی ما تجلی یابد.

درنگ